

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

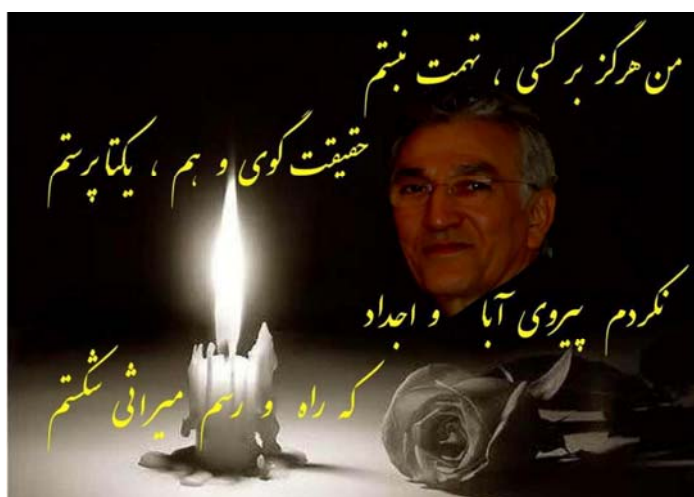
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۵ جنوری ۲۰۱۹



تقدیم به مناسبت هفدهمین بهار تأسیس (فصلنامه باتو) ناشر اندیشه های زنان افغانستان در اروپا (۲۲ اپریل ۲۰۱۷)

خوبان فرهنگی

که بزم باشکوه برپا، میان عاشقان امشب
که زیب و زینتش داده، ز مهر بانوان امشب
که هفده ساله گردید و شده فخر زمان امشب
ز نورش خرق استار، تعصب از میان امشب
مگر این عالم هستی، شده از سر جوان امشب
به جسم ما همی بخشد، بسی روح و روان امشب
سخن در حالت پرواز، اوج آسمان امشب
مگر جشنی به پا دارد، خدا در کهکشان امشب
هنرزا و هنر آور، همه چون جسم و جان امشب

به گوش جان همی آید، نوای گلرخان امشب
شروع بادا به نام، مهربان یزدان بی همتا
ادب می بالد و می نازد، فرهنگ، بر (بانو)
ز نارش خرق گشته، ریشه بغض و عداوتها
به رنگ و بوی یزدانی، گل وحدت شکوفا بین
حدیث عشق میخواند، لب و دندان مه رویان
ز استعداد همکاران، چه محشر ها شدی برپا
ز مغرب گشته در اشراق، ناهید و مه و خورشید
هنرمند و هنر آفر، هنر سنج و هنر پرور

سپاس و حرمتِ (بانو)، نهایت روح و باریحان
 ز (ناهِیدِ علمی) و ز (مینا میر) و (روح افزا)
 (شفیقه یارقین) و (فوزیه رزمی) و (پروانه)
 (سعیده جان) و هم از (صالحه جان محک)، هم از
 ز (خانم ارسلا) و از (بنکلا) و (سمیرا جان)
 ز (زرغونه ستانیزی)، (نظیفه جامی) و (طوبی)
 ز (نجلی زمانی) و (شمیم نورزی) و (ماری)
 (نفیسه جان) و از (سارا)، (خدیجه جان) و از (للی)
 (فرشته جان رحیمی) و ز (ناهِیدِ فروغ) و از
 ز طبع (فردینا) و ز (خاتول) و هم از (واهب)
 هم از (نازی نور) و (عاطفه ویس) و (الله جان)
 ز خوبرویان و خوب گویان، (فرشته جان) و (فتانه)
 سپاس و حرمتِ ویژه، ز (اکلیل) و ز (سودابه)
 ز مهمانان برنامه، (صلاح) و (رزمی) و (محشور)
 ز (داؤود حیدری) و از (زُبیر شیرزاد) و هم
 ز (حامد حافظی) و هم ز (نعمت جان جوشن) نیز
 ز (جاوید) و (شفیق) و (مصطفی تیموری) و هم
 به (ناهِید جان) و (صدیق وفا) و هم به (غوث میر)
 ملیح لحن و آواز و صدای دلکش (فیروز)
 گهی با چنگ عطّار و گهی با نای مولانا
 دلم میخواست باشم خدمت خوبان فرهنگی
 ولی درگیرم همراهی، طبیبان و پرستاران
 و گرنه با گل و سنبل، ز باغ طبع خود "نعمت"

ز همکارانِ خود، ذیلاً، کران تا بیکران امشب
 (نجیبه هوتکی) و از، (ندای) پُرتوان امشب
 (فریبا) و هم از (خانم طلوع) و (پرنیان) امشب
 (نجیبه کابلی) و از (صدیقی خانگه) جان امشب
 ز (نیلیم سروری) و (فرحت) و (شایسته) جان امشب
 ز (زرغونه ولی) و هم ز دیگر دوستان امشب
 هم از (راضیه جان) و (صوفیای) خوش بیان امشب
 ز (پروین) و (امیلیا)، چنین و هم چنان امشب
 (جمیله انوری) یعنی، که از (خانم زمان) امشب
 تُر و گوهر بسی جاری، به روح و هم روان امشب
 ز زیباییان زیباروی و زیبا پیکران امشب
 هوا، عطّری و هم مشکین، فضا عنبر فشان امشب
 فراهم ساز این محفل، که از نسل جوان امشب
 (کبیر) و از (بشیر) خوش بیان و دیگران امشب
 ز (احمد شاه) و از دیگر، سخاوت پیشگان امشب
 ز جیب بازشان دارد، سخاوت امتحان امشب
 ز همکاران و همدستان و یار و یاوران امشب
 درود و حرمتِ بیحد، که هریک میزبان امشب
 دل از کف می برد هر دم، ز پیر و از جوان امشب
 ز باغ حافظ و سعدی، به بانو ارمغان امشب
 بَرَم دل از کفِ هریک، به اشعار روان امشب
 صحتمندی شده با من، بسی نامهربان امشب
 حضور (حضرت بانو)، به فرق سر دوان امشب

لږ ځامښه پر محبت جنب «نعمت مختار زلode» که به هغه د مین بهار تائیس (فصلنامه بانو)
ناشر لږنیزه هنر زنان افغانستان در وړو پاوه د لږ شوه (۲۲ اپریل ۲۰۱۲)

ځوان فرهنګي

به کوش جان همی آید، نولر لکړ ځان لږ شېر که بزم باشکوه بیا، میان عاشقان لږ شېر
شروع بادله بنام، محسبان یزدونی بی همست که زیب و زینتش د لږه، ز مهر بانولن لږ شېر
لږ دب می بالد و، می نازلو، فرهنګ، بر (بانو) که (هغه د ساله) گریدو، شوه فخر زمان لږ شېر
ز نازش خرق کشته، ریشه بغض و عدوتها
به رنگ و بوس یزدونی، گل وحدت شکوفا بین لکړ دین عالم حتی، شوه لږ سر جولن لږ شېر؟
حدیث عشق میخولند، لب و دندان مه رویان
ز لاستعدود همکاران، چه محشر باشد بریا به جسم ما بهی بخشد، بی روح و روان لږ شېر
ز مغرب کشته در لشرق، ناهید و مه و خورشید لکړ جتنی پیاد لږه، خدو د گمکشان اشب
هنرمند و هنر آفر، هنر بنج و هنر پرور
پاس و حرمت (بانو)، نهایت روح و با ریحان
ز (ناهید علومی) و، ز (ینامیر) و (روح لږ شېر)
(نخچه بونکی) و لږ، (ندلیر) پرتولن اشب
(شفیقه یارقین) و، (فوزیه رزمی) و (پروانه)
(سعیده جان) و هم لږ (صاحبه جان محک)، هم لږ
(نخچه کابل) و لږ، (صدیقی خانکه جان) لږ شېر
ز (خانم لږ سلا) و لږ، (بنسکلا) و (سمیرا جان)
ز (نیلیم سرور) و (فرحت) و (شایسته) جان اشب
ز (زرغونه ستانیزر)، (تلفیه جامی) و (طوبی)
ز (زرغونه ملی) و هم، ز دیگر دوستان اشب

ز (نجلدس زبانی) و، (تیم نورزس) و (مارس)
 هم از (رولویه جان) و (صوفیاس) خوش بیان لاشب
 (نفسه جان) و از (سارلا)، (خدیجه جان) و از (لیلی)
 ز (پروین) و (ولمیلیا)، چنین و هم چنان لاشب
 (فرشته جان رحیمی) و، ز (ناحید فرسوخ) و از،
 (جمید انورس) یعنی، که از (خانم زمان) لاشب
 ز طبع (فسردینا) و، ز (خاتول) و هم از (ولایب)
 هم از (ناز نور) و (عاطفه دس) و (لاله جان)
 ز زیبا یان زیاروس و، ز با پیکرون لاشب
 ز خوبریان و خوب کویان، (فرشته جان) و (مستانه)
 هولا، عطری و هم کشین، فنا غبرفشان لاشب
 پاس و حرمت ویژه، ز (اکیل) و ز (سودایب)
 ز مسمانان برنامہ، (صلوح) و (رزمی) و (مشورس)
 (کبیر) و از (بشیر) خوش بیان و دیکرون لاشب
 ز (دلاؤد حیدرس) و از، (نیر شیرزاد) و، هم
 ز (احمد شاه) و از دیکر، سخاوت پیشان لاشب
 ز (حلیه حافظ) و هم، ز (نعت جان جوشن) نینر
 ز (جاوید) و (شقیق) و (مصطفی تیمورس) و، هم
 ز (باجوید) و (صدیق وفا) و هم به (غوث میر)
 دود و حرمت میجد، که حیک میسبان لاشب
 دل از کف می برد حردم، ز پیر و از جولان لاشب
 (ملیج سخن و، آواز و، صداسر دلکش) فیروز
 کمی با چسک عطرا و، کمی باناس مولانا
 ز باغ حافظ و سدر، به بانو لارمعنان لاشب
 دلم میخواست باشم خدمت خوبان فسر هنکی
 برم دل از کف حیک، به اشعار دولان لاشب
 ولی در کیرم همسار، طبیبان و پرستاران مستمند شده بامن، دگر نامحسبان لاشب
 و گرنه با گل و سنبل، ز باغ طبع خود «نعت»
 حضور (حضرت بانو)، به فرق سر دولان لاشب